رویش روان شناسی، سال۱۰، شماره۱۱، شماره پیاپی ۶۸، بهمن ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(11), 2022

واکاوی پدیدارشناسانه هم‌باشی(ازدواج سفید)
مورد مطالعه: جوانان شهر تهران
A phenomenological exploration of cohabitation (Case study: youth in Tehran)

محمد احمدوند شاهوردی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
دکتر رضا پورحسین (نویسنده مسئول)
دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
دکتر مسعود غلامعلی لواسانی
دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mohammad Ahmadvand Shahverdi
MA in General Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
Dr. Reza Pourhosein
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
prhosein@ut.ac.ir
Dr. Masoud Gholamali Lavasani
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

چکیده
هم‌باشی یا ازدواج سفید یکی از شیوه‌های زندگی بدون ثبت رسمی است که در بین جوانان ایرانی مورد پذیرش قرار گرفته است. هدف از این مطالعه، واکاوی پدیدارشناسانه ازدواج سفید بود. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، تمامی جوانان ۱۸ تا ۴۰ساله‌ای بودند که در خردادماه سال ۱۴۰۰ در یکی از مناطق ۲۲گانه شهر تهران سکونت داشتند و حداقل ۶ ماه از شروع ازدواج سفید آنها گذشته بود. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. همزمان با اشباع اطلاعات، روند نمونه‌گیری متوقف شد و تعداد نمونه‌های پژوهش به ده نفر رسید. برای واکاوی تجارب آنها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. تحلیل داده‌های تحقیق با روش پدیدارشناسانه تفسیری (IPA) انجام گرفت. در پایان، ده تم اصلی و چهار مقوله هسته از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. تم‌های اصلی این پژوهش بدین شرح بود: رضایت‌مندی، کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی، گشودگی به تجربه، استقلال فردی، جهانی‌شدن، اجتناب‌گری از ازدواج، مقدمه‌ای برای ازدواج، فردگرایی، نقش هم‌سالان و زندگی حداقلی. به نظر می‌رسد که ازدواج سفید رابطه‌ای آزادانه و در عین حال متعهدانه است که همراه با فرایند گذار به سمت مدرنیته، بیش از گذشته به‌عنوان یک سبک زندگیِ جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج در دسترس برخی جوانان شهر تهران قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: *ازدواج سفید، هم‌باشی، پدیدارشناسی، جهانی‌شدن، فردگرایی*

Abstract
Cohabitation is an unofficial lifestyle that has been accepted amongst Iranian youth. The purpose of this study was to phenomenologically evaluate cohabitation in the youth of Tehran. The population of this study was all couples (not officially married) between 18 to 40 years old in Tehran who had been living together for at least 6 months until May 2021. The purposive and snowball sampling methods were used to select samples (n=10). In-depth semi-structured interviews were used to analyze their experience. In order to analyze the data, the Interpretive Phenomenological Analysis method (IPA) was applied. Ten main topics and four core categories were extracted. The main themes of this study were: satisfaction; diminishing religious beliefs; openness to experience; personal independence; globalization; avoidance of marriage; the prelude to marriage; individualism; the role of peers; and functional life. It seems that as the Iranian society undergoes the process of modernization, cohabitation has become a free and at the same time committed form of relationship which is chosen more than ever as an alternative to official marriage by couples in Tehran.

Keywords: *cohabitation, phenomenology, globalization, Individualism*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : شهریور ۱۴۰۰** **پذیرش: شهریور ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: بهمن ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

مقدمه

نهاد «خانواده» یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی روابط بین‌فردی افراد جامعه و ساختارهای اجتماعی است. طی قرن گذشته، عوامل زیادی نظیر تحولات اقتصادی و فرهنگی موجب شده‌اند تا ساختار خانواده در سطح جهانی با تحولات گسترده‌ای مواجه شود. در این میان، پدیده ازدواج به‌ویژه در بین جمعیت مناطق شهری نسبت به چند دهه قبل تغییرات عمده‌ای داشته، به‌طوری که در سال‌های گذشته، الگوی جدیدی از روابط زن و مرد در ایران به شکل هم‌خانگی بدون ازدواج ظهور یافته است که «ازدواج سفید»[1] نام دارد (آزادارمکی، شریفی ساعی، ایثاری و طالبی، ۱۳۹۱). این الگوی جدید تمامی مشخصات الگوهای رابطه دوستانه عاطفی را دارد، با این تفاوت که آنها زیر یک سقف با یکدیگر زندگی می‌کنند، زندگی اقتصادی مشترک دارند و رابطه جنسی را نیز تجربه می‌کنند (فاضلی، ۱۳۹۱).

نتایج تحقیق رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) بیانگر آن است که عواملی چون وضعیت اقتصادی، مشکلات مربوط به طلاق، کاهش کنترل والدین، نیازهای جنسی و عاطفی، جهانی‌شدن، فردگرایی، کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی و دوستان نقش مهمی در گرایش به هم‌باشی یا ازدواج سفید در بین جوانان دارند. از سوی دیگر، اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که تعهد در ازدواج سفید معنایی وسیع، چندبعدی و سیال دارد و نمی‌توان این مفهوم را در این سبک از زندگی ذیل یک قاعده کلی ارزش‌گذاری نمود. همچنین برخی ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند با انتخاب ازدواج سفید مرتبط باشد؛ برای مثال، روان‌رنجوری، گشودگی به تجربه و توافق‌پذیری در پیش‌بینی نگرش به ازدواج سفید نقش دارند (سعید طالشی و سلطانی، ۱۳۹۷).

طی دهه‌های گذشته، پدیده هم‌باشی در آن سوی دنیا نیز مورد توجه بسیاری از محققان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، پژوهشی در ایالات متحده آمریکا نشان داد که میزان رضایت از رابطه در افرادی که پیش از ازدواج تجربه هم‌باشی نداشته‌اند به‌مراتب بیشتر از افرادی است که تجربه این‌گونه ازدواج را داشته‌اند (موریس، مکالوس و اشفورد[2]، ۲۰۱۹). یافته‌ها در کشور چین نیز حاکی از نوعی رابطه مثبت میان تجربه ازدواج سفید و طلاق پس ازدواج در میان افرادی است که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ ازدواج کرده‌اند (ژانگ[3]، ۲۰۱۷). نکته شایان‌توجه آن که این رابطه در گذر زمان ناپدید می‌شود، به‌طوری که اکنون رابطه معناداری میان تجربه ازدواج سفید و نرخ طلاق بین افرادی که طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ ازدواج کرده‌اند، وجود ندارد (ژانگ، ۲۰۱۷). یکی از دلایل عمده این اتفاق می‌تواند رواج ازدواج سفید در چین طی سال‌های گذشته باشد. پژوهش دیگری که در آمریکا روی بیش از ۲۱۶هزار زوج انجام شد، نشان داد که میزان طلاق در سال اول زندگی مشترک میان افرادی که پیش از ازدواج تجربه ازدواج سفید داشته‌اند کمتر از گروه مقابل است (روزنفیلد و راسلر[4]، ۲۰۱۹). محققان علت این امر را تطبیق زوج‌ها با یکدیگر پیش از ازدواج بیان کردند.

برخلاف سایر کشورهای دیگر، جوانان ایرانی به‌دلیل پیشینه فرهنگ اسلامی جامعه خود با تضادهای قابل‌توجهی مواجه هستند (تقوی، ۲۰۱۸). به‌علت ماهیت غیرقانونی ازدواج سفید در جامعه ایران نیز این جنس تعارض‌ها می‌تواند برای افراد حاضر در این سبک نوظهور زندگی بروز یابد (گلچین و صفری، ۱۳۹۶). از آنجا که هم‌باشی بدون ثبت رسمی است، تعهد و پایداری افراد در این رابطه‌ها وابسته به شخص است (اکبرزاده و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸)، پذیرش این مسئله در عرف سنت‌گرای ایران می‌تواند باری مضاعف بر دوش این دسته از زوج‌ها باشد.

در حال حاضر، ازدواج سفید کلیدواژه‌ای مرسوم در ادبیات جوانان ایرانی به شمار می‌آید. این در حالی است که به‌دلایل گوناگون مطالعه در باب این‌گونه تحولات حساس اجتماعی همچنان کم‌شمار است. ایران کشوری جوان است و روند جهانی‌شدن در جمعیت جوان آن سرعت زیادی دارد (مختاری، شریعت، افتخاراردبیلی و شالبافان، ۲۰۲۰). بر اساس داده‌های رسمی سازمان آمار ایران (۲۰۱۶) بیش از نیمی از جمعیت این کشور کمتر از ۳۰ سال، ۳۸/۸ درصد زیر ۲۴ سال و ۱۴/۸ درصد نیز بین ۱۵ تا ۲۴ سال سن دارند. علاوه بر این، ۹۹/۶ درصد ایرانیان مسلمان‌اند و ۷۴ درصدشان در مناطق شهری زندگی می‌کنند. این در حالی است که ۲۸/۳۳ درصد مردان و ۱۹/۴۷ درصد زنان بالای ۱۵ سال ازدواج نکرده‌اند. این آمار همچنین اضافه می‌کند که ۴۸ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال ایران دانش‌آموز یا

1. Cohabitation
2. Morris, Macaluso & Ashford
3. Zhang
4. Rosenfeld, & Roesler

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

دانشجو هستند. از آنجا که ازدواج سفید اغلب در گروه‌های جوانان و دانشجو رخ می‌دهد، انتظار می‌رود که طی سال‌های آینده سبک‌های جدید زندگی در شهرهای کوچک و بزرگ ایران گسترش زیادی پیدا کند.

بنابراین، در این پژوهش تلاش شد تا ادراک زوج‌های حاضر در پدیده هم‌باشی و همچنین انگیزه‌های آنها برای انتخاب این سبک زندگی نوظهور مطالعه شود.

روش

این پژوهش با روش تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری (اسمیت، فلاور و لارکین[1]، ۲۰۰۹) انجام شد. جامعه پژوهش حاضر تمامی افرادی بودند که به شکل ازدواج سفید در تهران با یکدیگر زندگی می‌کردند و از زمان شروع زندگی مشترک آن ها حداقل ۶ ماه گذشته بود. روند نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند انجام شد و نمونه‌ها از طریق فراخوان‌دهی در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و توئیتر انتخاب شدند. در نهایت با اشباع اطلاعات روند مصاحبه‌ها متوقف شد و تعداد نمونه‌ها به ۱۰ نفر رسید. مصاحبه با تمامی آنها به‌صورت آنلاین و تصویری در فضای نرم‌افزارهای اسکایپ و واتساپ انجام شد.

بر اساس اهداف پژوهش، افراد برای ورود به روند مصاحبه و انجام آزمون باید واجد برخی شرایط نظیر عدم اعتیاد به مواد مخدر و برخورداری از امکان برقراری تماس تصویری می‌بودند. از سوی دیگر، عدم همکاری مناسب با پژوهشگر، ناقص‌ماندن فرایند تحقیق به‌دلیل مشغولیت زیاد و حضور شخص دیگر در محل مصاحبه و مداخله مکرر وی از جمله معیارهای خروج افراد از پژوهش بود.

پیش از شروع مصاحبه، توضیحات کافی درباره رضایت آگاهانه، گمنامی هویت، اختیاری‌بودن شرکت در پژوهش، علت استفاده از ضبط صوت، محرمانه‌بودن اطلاعات و مسائل مربوط به رازداری برای داوطلبان ارائه شد.

بر اساس شیوه‌نامه تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری، ابتدا تمامی مصاحبه‌ها کلمه‌به‌کلمه به نوشتار بازگردانی شدند. در ادامه، بخش‌های مهم گفتار داوطلب در سمت چپ متن به‌صورت باز کدگذاری و سپس تم‌های در حال ظهور در سمت راست متون یادداشت شدند. در گام بعدی، تم‌های مشابه به‌صورت کدگذاری محوری یکی شدند و تم‌های فرعی را شکل دادند. سپس جدولی از تم‌های فرعی تهیه و هر طبقه نام‌گذاری شد که نشانگر یک تم اصلی بود. در پایان، تم‌های اصلی بر اساس شباهت‌های مفهومی و نظری‌شان به چهار مقوله هسته تلخیص و طبقه‌بندی شد. تمامی این مراحل با همکاری و نظارت مداوم دو نفر از اساتید روان‌شناسی دانشگاه تهران انجام شد تا اعتبار کدگذاری و تحلیل متن به‌وسیله اتفاق‌نظر آنها افزایش یابد. علاوه بر این، نویسندگان پژوهش حاضر به‌واسطه درگیری طولانی‌مدت با تجارب این افراد شناخت جامعی از موضوع مورد مطالعه داشتند.

ابزار سنجش

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق[2]: مصاحبه ابزاری سودمند و کارآمد برای گردآوری داده‌های عمیق است (ویلد و موری[3]، ۲۰۰۹). برای انتخاب سؤالات مصاحبه، ابتدا گفت‌وگوی غیرساختاریافته‌ای با دو نفر از اعضای جامعه انجام شد که به کمک اطلاعات حاصل از آن و همچنین یافته‌های مطالعات گذشته، سؤالات مصاحبه استخراج شد و به تأیید دو نفر از اساتید روان‌شناسی دانشگاه تهران رسید. سپس سؤال‌های پژوهش به‌ترتیب مطرح شد. سؤال اول درباره نحوه آشنایی با شریک و انگیزه‌های انتخاب این سبک زندگی بود: «بهم بگو چطوری شد که با پارتنرت آشنا شدی و بعد تصمیم گرفتید به این سبک زندگی روی بیارید؟» سپس سؤالات بعدی متناسب با پاسخ‌های شرکت‌کنندگان برای تکمیل مصاحبه و کشف داده‌های عمیق‌تر مطرح شد. برای مثال: «مخارج خونه رو چطوری مدیریت می‌کنید؟ چطوری شد که از خانواده جدا شدی و به این سمت روی آوردی؟ دیدگاه تو درباره ازدواج و ازدواج سفید چیه؟ تعهد در این رابطه چطوری تعریف می‌شه؟» کوتاه‌ترین مصاحبه ۴۵ دقیقه و طولانی‌ترین آنها ۶۴ دقیقه به طول انجامید. در نتیجه، میانگین زمان مصاحبه‌ها ۵۸ دقیقه و انحراف معیار آن ۶/۱ بود.

1. Smith, Flower & Larkin
2. In-depth semi-structured interview
3. Wilde & Murray

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

یافته ها

در مطالعه حاضر، اطلاعات از طریق مصاحبه با ۶ زن و ۴ مرد جمع‌آوری گردید. تمامی ده داوطلب بین ۲۲ تا ۳۶ سال سن داشتند (میانگین = ۲۷/۸ و انحراف معیار = ۳/۲). از میان آنها، ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر نیز دارای مدرک دکتری بودند. نیمی از داوطلبان در شرکت‌های خصوصی شاغل و نیمی دیگر بیکار بودند که از سمت خانواده تأمین مالی می‌شدند. مدت زمان ازدواج سفید آنها بین ۶ تا ۳۶ ماه (میانگین = ۱۹/۲ و انحراف معیار = ۸/۳) بود. سه نفر از شرکت‌کنندگان در گذشته تجربه زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی داشتند. از نظر گرایش‌های دینی تقریباً تمامی داوطلبان همگن بودند و به دین و مذهب بی‌اعتقاد بودند. به‌جز سه نفر، والدین بقیه شرکت‌کنندگان در شهری غیر از تهران سکونت داشتند. والدین دو نفر از مصاحبه‌شوندگان نیز سابقه طلاق داشتند و تنها یکی از مصاحبه‌شوندگان سابقه ازدواج قبلی داشت. جدول زیر خلاصه این داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش

داوطلب	جنس	سن	مدت زمان ازدواج سفید (ماه)	تحصیلات	منطقه شهری
۱	زن	۲۵	۱۲	دکتری	۴
۲	مرد	۳۶	۱۶	کارشناسی ارشد	۸
۳	مرد	۲۳	۱۵	کارشناسی	۵
۴	زن	۳۲	۱۳	دکتری	۲
۵	زن	۲۲	۱۵	کارشناسی	۵
۶	زن	۲۷	۳۶	کارشناسی ارشد	۷
۷	مرد	۲۶	۶	کارشناسی ارشد	۲
۸	مرد	۲۹	۳۶	کارشناسی	۷
۹	زن	۳۶	۳۴	دکتری	۲
۱۰	زن	۲۲	۹	کارشناسی	۳

نتایج تحلیلِ متون مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان منجر به شکل‌گیری ده تم اصلی و چهار مقوله هسته برای ازدواج سفید شد که در ادامه به‌ترتیب با ذکر مصادیق آنها ارائه می‌شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

جدول ۲. مقولات، تم‌های اصلی و تم‌های فرعی پژوهش

مقولات	تم‌های اصلی	تم‌های فرعی
رابطه‌ای بر پایه توافق دوطرفه	رضایت‌مندی	رضایت از رابطه تعهد رضایت جنسی
	مقدمه‌ای برای ازدواج	شناخت بهتر خود و دیگری تجارب ناخوشایند گذشته
	زندگی حداقلی	عدم پذیرش جامعه و خانواده پنهانی‌بودن مشکلات اقتصادی
زندگی در لحظه حال!	استقلال فردی	زندگی مستقل استقلال و رشد فردی انتقاد از دخالت دیگران
	اجتناب‌گری از ازدواج	عدم پذیرش قوانین نگرش نامطلوب به ازدواج هزینه‌های سنگین
	فردگرایی	مدیریت مشترک مالی ارضا نیازهای فردی جدایی آسان
احساس عدم تعلق به جامعه	جهانی‌شدن	ارتباط با فرهنگ کشورهای مدرن احساس آزادی
	نقش هم‌سالان	حمایت دوستان ازدواج سفید در آشنایان
عصیانگری	کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی	عدم اعتقاد دینی تربیت دینی در کودکی
	گشودگی به تجربه	عصیانگری مقابل ارزش‌های خانواده تحول ارزش‌های فردی

۱. رابطه‌ای بر پایه توافق دوطرفه

بر اساس کدهای تحلیل، هم‌باشی میان مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر با توافق دوطرفه شکل گرفته و ادامه یافته بود. اکثر آنها اظهار کردند که اگر نسبت به انتخاب خود برای تشکیل زندگی مشترک مطمئن شوند و لازم باشد، ازدواج خود را رسمی خواهند کرد؛ در غیر این صورت، بدون تحمل هزینه‌های اجتماعی طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند یا آن را ادامه می‌دهند. این مقوله به‌دلیل قرابت موضوعی کدهای سه تم اصلی رضایت‌مندی، مقدمه‌ای برای ازدواج و زندگی حداقلی شکل گرفت.

رضایت‌مندی

تمامی ده داوطلب به‌طور کلی از کیفیت رابطه بین‌فردی و سبک زندگی خود احساس رضایت داشتند. برخی از آنها ازدواج سفید را به‌عنوان یک سبک زندگی مدرن به دیگران توصیه می‌کردند. علاوه بر این، تمامی آنها نسبت به شریک‌شان احساس تعهد داشتند و در مشکلات زندگی خود را موظف به همراهی می‌دانستند. برای مثال، داوطلب شماره ۹ بیان کرد: «*نسبت به همدیگه شدیداً از لحاظ عاطفی وابسته هستیم یعنی واقعاً دوست نداریم جایی رو بدون هم باشیم... الان عیار رابطه خیلی قوی و خوبه، خیلی همدیگه رو می‌خوایم و دوست داریم.*» برخی از کدهای این تم عبارت بود از: «عمیق و خالص‌بودن ازدواج سفید»، «صمیمیت‌داشتن»، «نانوشته‌بودن تعهد»، «نسبی‌بودن تعهد»، «تعاملی فراتر از رخت‌خواب»، «رضایت جنسی داشتن»، «لمس‌کردن احساسات عاشقانه» و «خوشحالی از عدم پذیرش ازدواج».

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

مقدمه‌ای برای ازدواج

تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان روش‌های شناخت مرسوم پیش از ازدواج را ناکافی توصیف می‌کردند و معتقد بودند که تنها با زندگی زیر یک سقف می‌توان به شناخت کافی رسید. برای نمونه، داوطلب شماره ۷ اشاره کرد: «*راه دیگه‌ای من نمی‌شناسم که تا این level بشه یک نفر رو شناخت... بفهمی واقعاً خواسته‌های واقعی طرف چیه... بهترینش اینه که حداقل سه ماه تا یک سال آدما کنار هم باشن.*» تعدادی از کدهای این تم بدین شرح بود: «منحرف‌شدن شناخت با ورود خانواده‌ها»، «ایجاد شناخت کامل‌تر با زندگی مشترک»، «خودِ واقعی بودن»، «آزمونی برای آینده رابطه»، «لازم‌بودن ازدواج سفید پیش از ازدواج»، «تجربه رابطه ناموفق در گذشته» و «ناقص‌بودن شناخت در رابطه دوست‌پسر/دوست‌دختری».

زندگی حداقلی

ناهمخوانی ازدواج سفید با ارزش‌های خانوادگی و پنهانی‌بودن آن اغلب تعارض و استرس زیادی برای مصاحبه‌شوندگان ایجاد می‌کرد. بنابراین، اغلب آنها زندگی مشترکشان را با حداقل امکانات لازم آغاز کرده بودند. برای مثال، داوطلب شماره ۱ احساس خود را اینگونه توصیف کرد: «*اگه خانواده‌ها در جریان باشن خب نمی‌شه اینجوری که الان داریم زندگی می‌کنیم زندگی کنیم، با اینکه الان به نظر من داریم خیلی خوب زندگی می‌کنیم، یعنی خوب می‌گردیم، خوب می‌خوریم، خوب می‌پوشیم... اما شاید تو وسایل خونه یکم چیزهای مورد نیاز رو نداریم.*» چند نمونه از کدهای این تم عبارت بود از: «عدم پذیرش خانواده ایرانی»، «فقدان حمایت خانواده»، «احساس گناه برای پنهان‌کاری»، «کج‌دارومریز زندگی‌کردن» و «وابستگی مالی به خانواده».

۲. زندگی در لحظه حال!

داوطلبان پژوهش عمدتاً بر تجارب لحظه حال تمرکز داشتند و اغلب آنها ازدواج سفید را فاقد دورنمای آشکار توصیف می‌کردند. همچنین، آنها تا جای ممکن از مشکلات و مسئولیت‌های مربوط ازدواج اجتناب داشتند. مقوله زندگی در لحظه حال با اتفاق‌نظر نویسندگان و از طریق تجمیع کدهای سه تم اصلی استقلال فردی، اجتناب‌گری از ازدواج و فردگرایی حاصل شد.

استقلال فردی

تمامی شرکت‌کنندگان خانه‌ای مستقل از خانواده داشتند که می‌توانستند در آنجا با شریک خود زندگی کنند. علاوه بر این، اکثر آنها مخالف دخالت و نظارت دیگران به‌خصوص خانواده‌ها در اموری شخصی مانند رابطه عاطفی بودند. به‌عنوان مثال، داوطلب شماره ۲ بیان کرد: «*من با این خیلی مشکل دارم که خانواده‌ها بیان وسط... یکمی خارج از کنترل می‌شه که خب من خیلی مخالف این داستانم*» تعدادی از کدهای این تم بدین شرح بود: «جداشدن از خانواده با شروع دانشگاه»، «زندگی دور از خانواده»، «تجربه استقلال فردی»، «چالش با خانواده برای کسب استقلال»، «رهاشدن از نظارت والدین» و «بزرگ‌بودن شهر تهران».

اجتناب‌گری از ازدواج

اکثر مصاحبه‌شوندگان به‌دلیل قوانین تبعیض‌آمیز و هزینه‌های سنگین ازدواج تمایل چندانی به آن نداشتند. آن تعدادی هم که در آینده قصد ازدواج داشتند، ازدواج سفید را در این مقطع از رابطه ترجیح می‌دادند. تعدادی از آنها فقط در صورت وجود اجبارهای قانونی مانند فرایندهای مهاجرت، فرزندآوری و... ازدواج را ترجیح می‌دادند. برای نمونه، داوطلب شماره ۴ بیان کرد: «*من با این مسئله که مرد ایرانی حق طلاق، حق خروج از کشور و این حق‌ها رو به زن ایرانی نمی‌داد مشکل داشتم و قبلاً با هر کی که case ازدواجم بود می‌رفتم تو رابطه و می‌گفتم این چیزها رو می‌خوام خیلی بد با من برخورد می‌کرد.*» در ادامه برخی از کدهای این تم ارائه می‌شود: «دست‌وپاگیر بودن قوانین طلاق»، «وجود ردپای قوانین اسلامی در ازدواج»، «غیرضروری‌بودن ازدواج»، «بی‌معنابودن رسومات ازدواج»، «دشواربودن ازدواج در ایران»، «زیادبودن خیانت در ازدواج»، «نبود شرایط مالی مناسب برای ازدواج رسمی» و «پرمسئولیت‌بودن ازدواج».

فردگرایی

در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان رگه‌های فردگرایی در حیطه‌های گوناگون نظیر مالی و اجتماعی نمود بارزی داشت. برای مثال، داوطلب شماره ۹ معتقد بود: «*ما باید یاد بگیریم که همه چی رو پنجاه‌پنجاه انجام بدیم... خونه، ماشین، تمام وسائل زندگی پنجاه‌پنجاه باشه مگر اینکه با هم به توافق برسیم*» یا داوطلب شماره ۴ که بیان کرد: «*اگه زمانی این آدم اذیتم کنه من برای خودم این حق رو قائل می‌شم که بیام بیرون.*» تعدادی از کدهای این تم عبارت بود از: «پایبندی به برابری»، «رعایت توازن مالی»، «شخصی‌سازی رابطه»، «محروم‌نکردن خود از ارضای نیازها»، «تغییرکردن نیازهای فردی در طول زمان»، «بی‌تعارف برآورده‌شدن نیازها» و «جدایی آسان‌تر از ازدواج».

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

۴. احساس عدم تعلق به جامعه

تحول در ارزش‌های فکری مصاحبه‌شوندگان این پژوهش محسوس بود؛ این امر موجب می‌شد تا همواره میان باورهای خود و عموم جامعه تفاوت چشمگیر احساس کنند. همچنین، اغلب آنها دیدگاه جامعی درباره دیگر سبک‌های زندگی در سایر کشورهای جهان داشتند. این مقوله به‌علت شباهت مفهومی دو تم اصلی جهانی‌شدن و نقش همسالان و با هدف تلخیص یافته‌ها تشکیل شد.

جهانی‌شدن

رگه‌های جهانی‌شدن اندیشه‌ها و مدرنیته در گفته‌های اکثر داوطلبان محسوس بود. اغلب آنان به‌دلایل گوناگون ازدواج به سبک ایرانی را نهی می‌کردند و فرهنگ آزادانه دیگر کشورهای جهان را ترجیح می‌دادند. به‌عنوان مثال، داوطلب شماره ۴ گفت: «*بهش فکر کردم که اگر خارج از ایران باشم آیا من با این پارتنرم ازدواج می‌کنم یا نه، گفتم آره... چون تمام حقوق به مساوات برقرار می‌شه.*» برخی از کدهای این تم بدین شرح بود: «بزرگ‌شدن با فرهنگ جهانی»، «آشنایی با فرهنگ‌های خارجی»، «نقش شبکه‌های اجتماعی»، «آگاهی از سایر سبک‌های زندگی» و «مدرن‌بودن ازدواج سفید».

نقش هم‌سالان

عمده افراد حاضر در پژوهش اعتماد زیادی به دوستان خود داشتند و آنها را در جریان رابطه خود قرار می‌دادند. همچنین، دوستان بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان تجربه ازدواج سفید داشتند. برای نمونه، داوطلب شماره ۱ اذعان کرد: «*ود درصد بچه‌ها این حالتو داشتن... دوستای من همه با هم یک آپارتمان چهارطبقه شش واحدی گرفتن که شش واحدش دانشجو هستن یعنی از قصد رفتن تو این آپارتمان که بتونن همشون با هم راحت زندگی کنن، دیگه درگیری و دغدغه همسایه و اینا رو نداشته باشن.*» برخی از کدها که نشانگر نقش هم‌سالان در ازدواج سفید بود بدین شرح بود: «حمایتگری دوستان»، «واکنش مثبت دوستان»، «تجربه ازدواج سفید در دوستان» و «اطلاع‌داشتن دوستان».

۴. عصیانگری

این مقوله نشانگر نوعی «شنای خلاف جهت آب» و قیام علیه تمامی ارزش‌های اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی است که در گفته‌های اکثر داوطلبان محسوس بود. لازم به ذکر است که پس از تم اصلی رضایتمندی، دو تم اصلی حاضر در این مقوله به‌لحاظ فراوانی در بالاترین سطح قرار داشتند. مقوله عصیانگری نماینده تمامی تم‌های حاوی مفاهیم تحول و تجربه‌گری است و شامل دو تم اصلی کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی و گشودگی به تجربه می‌شود.

کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی

تمامی مصاحبه‌شوندگان سابقه تربیت دینی در کودکی و نوجوانی داشتند، اما در حال حاضر به دین و مذهب اعتقادی نداشتند. به‌طور مشخص، نقش دین در زندگی آنها کمرنگ‌تر از گذشته بود. برای مثال، داوطلب شماره ۲ بیان کرد: «*من دین‌دار نیستم و سعی هم می‌کنم نباشم، ازش آگاهانه دوری می‌کنم و در واقع به‌لحاظ اعتقادی می‌تونم بگم خداناباورم.*» تعدادی از کدهای این تم عبارت بود از: «عدم اجرای آداب و مناسک دینی»، «شخصی‌سازی دین»، «بزرگ‌شدن در شهری متدین» و «مذهبی‌بودن والدین».

گشودگی به تجربه

در تاریخچه زندگی تمامی داوطلبان چالش‌های فراوان با خانواده و هنجارهای جامعه و همچنین میل به تغییر به چشم می‌خورد. برخی از آنها اذعان کردند که در اوایل مراحل آشنایی با شریکشان برنامه‌ای برای زندگی با وی نداشته‌اند؛ در واقع ازدواج سفید را نوعی اتفاق می‌دانستند. به‌عنوان نمونه داوطلب شماره ۱ گفت: «*من یه دعوای بزرگ با پدرم کردم و از خونه رفتم بیرون... یه روز بیرون بودم و پدرم زنگ زد، ساعت نه یا ده شب بود که چرا نمیای خونه و از این غرغرهای پدرانه... بعد گفتم که من با دوستام بیرونم و تا دوازده میام، شروع کرد به داد و بیداد... بعد گفتم من دوازده میام، شروع کرد دوباره خیلی بدتر داد و بیداد و عصبانیت شدید... ولی من نرفتم.*» این کدها نشانگر خصلت گشودگی به تجربه در مصاحبه‌شوندگان بود: «ملاک قرار ندادن عرف جامعه»، « شکستن قوانین خانواده»، « تغییردادن تفکرهای غلط» و «نداشتن برنامه قبلی برای ازدواج سفید».

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ازدواج سفید رابطه‌ای رضایت‌مندانه، آزادانه و همراه با تعهد سیال است که گاه با هدف محک توانمندی فرد مقابل برای ازدواج رسمی آغاز و گاه نیز به‌عنوان یک سبک زندگی جایگزین ازدواج انتخاب می‌شود. از آنجا که ازدواج سفید از سمت خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی حمایت نمی‌شود، عمدتاً پنهانی صورت می‌گیرد؛ به همین دلیل، هزینه‌های زندگی و تهیه لوازم موردنیاز زندگی توسط خود زوج‌ها و به‌صورت اشتراکی تأمین می‌شود. از سوی دیگر، استقلال و آزادی فردی و همچنین کاهش نظارت خانواده‌ها به‌دلیل زندگی دور از

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

آنها نقش مهمی در زمینه‌سازی برای ازدواج سفید دارد. در زوج‌های پژوهش حاضر هم‌نوایی با عرف جامعه ایران اندک و با فرهنگ جهانی چشمگیر بود. علاوه بر این، انتخاب این سبک زندگی نیازمند خصیصه روانی گشودگی به تجربه است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، کشف ادراک زوج‌های حاضر در هم‌باشی و انگیزه‌های آنها برای انتخاب این سبک زندگی نوظهور بود. اگرچه معنای تعهد در ازدواج سفید با معنای تعهد کاغذی و برخاسته از عرف در ازدواج تفاوت دارد، اما شباهت‌های بسیاری میان آنها وجود دارد. تعهدورزی در ازدواج سفید شباهت زیادی به بالاترین مرحله رشد اخلاقی در نظریه رشد اخلاقی لارنس کلبرگ[1] (۱۹۸۱) دارد. در اینجا نیز تعهد و اخلاق از درون فرد می‌جوشد و ربطی به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ندارد.

تم رضایت‌مندی با یافته‌های پژوهش موریس و همکاران (۲۰۱۹) ناهم‌سو و با نتایج مطالعات کاکاوند و خدابخشی‌کولایی (۲۰۲۱)، لاول و اوکرک[2] (۲۰۲۰)، اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) و سهراب‌زاده، نوروزی و عسکری‌کویری (۱۳۹۶) هم‌سو بود. به نظر می‌رسد که کیفیت احساس رضایت‌مندی در ازدواج سفید و ازدواج متفاوت باشد. در واقع، رضایت‌مندی ضامن بقا و تداوم ازدواج سفید است، چراکه اگر رضایت وجود نداشته باشد رابطه پایان می‌پذیرد. اگرچه اتمام ازدواج سفید همانند طلاق هزینه‌های اجتماعی سنگین ندارد، اما بار عاطفی زیادی را به فرد تحمیل می‌کند. علاوه بر این، هم‌سو با مطالعه کاکاوند و خدابخشی‌کولایی (۲۰۲۱) نوعی ابهام در آینده ازدواج سفید به‌ویژه برای زنان وجود دارد. به همین علت، هم‌سو با یافته‌های مطالعه ابراهیمی (۱۳۹۸) ممکن است در اظهارات برخی از شرکت‌کنندگان نوعی دلیل‌تراشی[3] برای رضایت‌مندی وجود داشته باشد.

در تم مقدمه‌ای برای ازدواج نوعی راهبرد مراقبت از خود مشاهده می‌شود. آنها به‌دلیل تجارب ناخوشاید گذشته خود یا اطرافیانشان نمی‌خواهند «بی‌گدار به آب بزنند»، بنابراین تا جای ممکن تلاش می‌کنند تا شریک خود را بهتر بشناسند. تجربه طلاق کلیدواژه‌ای بود که در سه مصاحبه تکرار شد. والدین دو نفر از مصاحبه‌شوندگان سابقه طلاق داشتند و یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز خود در گذشته طلاق گرفته بود. اگرچه فراوانی این مسئله چشمگیر نبود، اما با توجه به یافته‌های کوپربرگ[4] (۲۰۱۹) می‌تواند به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز در نظر گرفته شود. این تم با یافته‌های مطالعات ساسلر و لیچر[5] (۲۰۲۰)، ابراهیمی (۱۳۹۸) و سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو و با یافته‌های کریمیان و زارعی (۱۳۹۵) ناهم‌سو بود.

اگرچه پژوهش‌های گذشته از جنبه‌های مختلف به مشکلات و موانع ازدواج سفید پرداخته‌اند، اما تم زندگی حداقلی مفهومی بدیع است، چراکه این زوج‌ها حمایت چندانی از سوی نهادهای اجتماعی دریافت نمی‌کنند و اغلب از طرف خانواده یا دیگر افراد نظیر صاحب‌خانه‌ها طرد می‌شوند، بنابراین اغلب تنها با امکانات خودشان که پس‌انداز کرده‌اند زندگی مشترکشان را شروع می‌کنند. در میان شرکت‌کنندگان این پژوهش، ازدواج سفید تنها در یکی از خانواده‌ها مورد پذیرش قرار گرفته بود. اگرچه سایر پژوهش‌ها این مفهوم را با عناوین دیگر توضیح داده‌اند، اما در حالت کلی با یافته‌های رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) و سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو بود.

تم چهارم بر استقلال فردی تأکید دارد. استقلال در جنبه‌های گوناگون از جمله استقلال فردی و استقلال مالی به‌ویژه برای زنان نقش مهمی در ایجاد بسترهای زمینه‌ساز ازدواج سفید دارد. به‌علاوه، استقلال فردی ریشه در مفهوم هویت دارد. هویت درک جامع و منسجمی از خویشتن است که شامل اهداف، ارزش‌ها و باورهای فردی می‌شود (اریکسون[6]، ۱۹۶۸، به نقل از پاپالیا، الدز و فلدمن، ۱۳۹۱). تشکیل هویت فرایندی است که طی آن اشخاص تعیین می‌کنند چه فردی هستند، برای چه چیزی ارزش قائل‌اند و تصمیم دارند چه مسیری را در زندگی دنبال کنند

1. Lawrence Kohlberg's stages of moral development
2. Lawal & Okereke
3. Rationalization
4. Kuperberg
5. Sassler & Lichter
6. Erikson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

از سوی دیگر، مفاهیم عاملیت[1] و استقلال نیز قرابت زیادی با یکدیگر دارند (آبرامز[2]، ۱۹۹۸) و همانگونه که فریدونی و رشیدی (۱۳۹۸) اشاره می‌کنند، تحولات حوزه زنان ریشه در افزایش عاملیت زنان در دانشگاه‌ها طی دو دهه گذشته دارد. همچنین، مطالعه فتحی، کیامنش و جمهری (۱۳۹۷) نشان داد افراد دارای عاملیت بالا بیشتر روی خود تمرکز می‌کنند، اکتشاف هویت بیشتر و نگاه خوش‌بینانه‌تری به دوره زندگی خود دارند، آن را فرصت می‌دانند و بیشتر دست به آزمایش‌گری می‌زنند. آنها همچنین احساس منفی‌بودن و بی‌ثباتی کمتری دارند. اریکسون (۱۹۶۸، به نقل از شوارتز، کوته و آرنت[3]) نیز معتقد بود که شکل‌گیری هویت از احساس عاملیت بهره می‌گیرد.

حداقل نیمی از داوطلبان به‌واسطه حضور در دانشگاه با یکدیگر آشنا شده بودند. زنان حاضر در این پژوهش احساس خود درباره استقلال را با برخی عبارات نظیر توانایی حفاظت از خود، افزایش اعتمادبه‌نفس، رشد هیجانی، دخترِ خانه نبودن، رشدکردن و تکامل شخصیت توصیف می‌کردند. هم‌سو با یافته‌های جهانی که دانشگاه را فضای جدیدی برای افزایش توانمندی دختران معرفی می‌کند (یوسف، ۲۰۱۹؛ پنچانی و باز[4]، ۲۰۱۷)، نتایج مطالعات داخلی هم حاکی از آن است که دانشگاه در نگاه دختران فضای جدیدی برای کسب توانمندی و حضور اجتماعی است که به آنها تجربه استقلال فردی می‌بخشد، زمینه‌های استقلال مالی را فراهم می‌کند و دریچه‌های تازه‌ای به سوی جهان می‌گشاید (فریدونی و رشیدی، ۱۳۹۸؛ فریدونی، مهران و منصوریان، ۲۰۱۵).

در اغلب مصاحبه‌ها به همه‌گیری ویروس کرونا اشاره می‌شد که به‌نحوی در روند زندگی آنها تأثیر گذاشته است، اما فراوانی و ارتباط آن با پدیده ازدواج سفید به‌حدی نبود که بتوان از آن یک تم استخراج کرد. با این حال، نباید نقش همه‌گیری و مشکلات همراه با آن نظیر قرنطینه، بیکاری و مشکلات اقتصادی را در شکل‌گیری اینگونه پدیده‌های اجتماعی نادیده گرفت.

داوطلبان پژوهش حاضر دیدگاه خوشایندی نسبت به ازدواج نداشتند و تلاش می‌کردند تا جای ممکن وارد آن نشوند. این اجتناب‌گری جنبه‌های گوناگون ازدواج را نظیر حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و... در بر می‌گیرد و به نظر می‌رسد که به ترس از دلبستگی ارتباط چندانی نداشته باشد، زیرا چنین چیزی در مصاحبه‌ها گزارش نشد. آن ها قوانین فعلی ازدواج و طلاق را ناکارآمد می‌دانند و خواستار تغییر آن هستند. همچنین با دخالت دیگر نهادهای اجتماعی مانند خانواده در ازدواج مخالف‌اند و تمایل دارند تا خودشان کم‌وکیف رابطه‌شان را تعریف کنند.

اجتناب از مشکلات ازدواج می‌تواند نشانگر نوعی راهبرد مراقبت از خود و مرتبط با مفهوم شفقت خود[5] باشد. اغلب آنها برای پنهان‌کاری در مقابل خانواده احساس گناه می‌کردند. احساس گناه یک هیجان اخلاقی سازش‌یافته است، به‌ویژه زمانی که رفتارهای اجتماعی و سازگاری بین‌فردی در نظر گرفته می‌شود (تانگنی[6]، ۱۹۹۵). این تم در مطالعات دیگر بر مسائل اقتصادی تأکید بیشتری دارد؛ با این حال، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) و ابراهیمی (۱۳۹۸) هم‌سو بود.

تم فردگرایی بر ارزش‌های فردی تأکید می‌کند، به این معنا که هر فردی دارای خلوت و حریم خصوصی، عقیده فردی و دیگر حقوق اساسی است. فردگرایان بر این باورند که منافع فردی نسبت به منافع حکومت یا دیگر گروه‌های اجتماعی باید در اولویت باشد و همزمان با دخالت خارجی در امور شخصی توسط جامعه یا نهادهای دیگر همچون دولت مخالف‌اند. فردگرایی با مفاهیم جهانی‌شدن (لیو و وانگ[7]، ۲۰۰۹)، استقلال فردی (کار[8]، ۲۰۱۸)، عاملیت (هرون[9]، ۲۰۰۸) و هویت (علیشاهی، رفیعی و سوچلمایی، ۲۰۱۹) ارتباط دارد. علاوه بر این، با توجه به داده‌های پژوهش هاستد و باند[10] (۱۹۸۴)، تم اجتناب‌گری از ازدواج نیز می‌تواند به نوعی با رویکرد اجتناب از خطر[11] و مراقبت از خود در منش فردگرایان مرتبط باشد. پژوهش محمدی و فولادچنگ (۱۳۹۸) نیز نشان داد که فردگرایی به‌طور مستقیم راهبرد سازگارانه تنظیم شناختی هیجان را به‌گونه مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند.

1. Agency
2. Abrams
3. Schwartz, Côté & Arnett
4. Panchani & Bassa
5. Self-Compassion
6. Tangney
7. Liu & Wang
8. Kaur
9. Heron
10. Hofstede & Bond
11. risk-avoiding

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

از سوی دیگر، لیبرالسیم اقتصادی تا حدی در زندگی این زوج‌ها نمود یافته است. بنا به تعریف آدامز[1] (۲۰۰۱) لیبرالیسم اقتصادی باور ایدئولوژیک به سازمان‌دهی اقتصاد به‌طور فردگرایانه است. اگرچه زوج‌های تجربه‌گر ازدواج سفید هزینه‌های زندگی را اشتراکی پرداخت می‌کنند، اما نوعی قرارداد نانوشته میان آنها برای تقسیم برابر هزینه‌ها وجود دارد. این تم با یافته‌های رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) هم‌سو بود. سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) تنها به مفهوم برابری در ازدواج سفید اشاره کرده‌اند.

نبرد سنت و مدرنیته در مصادیق تم جهانی‌شدن به اوج خود می‌رسد. برابری حقوق زن و مرد در اینجا اهمیت می‌یابد، تا آنجا که عده‌ای تنها به‌خاطر قوانین تبعیض‌آمیز داخلی ازدواج نمی‌کردند. میزان جهانی‌شدن در برخی از مصاحبه‌ها به‌حدی بود که دیگر تفاوت عمده‌ای میان شرق و غرب احساس نمی‌شد. به بیان دیگر، نوعی بومی‌سازی فرهنگ غرب به وقوع پیوسته است. این دسته زوج‌ها کارکردهای دیگری از خانواده طلب می‌کنند. آنها اغلب تمایلی برای فرزندپروری ندارند یا تصمیم‌گیری درباره آن را به آینده موکول می‌کنند. برخلاف دیدگاه عموم، ازدواج سفید از زاویه دید آنها امری مذموم نیست، بلکه آن را به هر فردی که شرایطش را داشته باشد توصیه می‌کنند.

جهانی‌شدن موجب می‌شود تا افراد فرهنگ‌های دیگر را بنگرند، با فرهنگ خودشان مقایسه کنند و در نهایت متناسب با نیازهای خودشان بهترین آنها را برگزینند. این تم با یافته‌های انگین، هورمن و هاروی[2] (۲۰۲۰)، آردانی[3] (۲۰۱۹)، رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) و ابراهیمی (۱۳۹۸) هم‌سو بود.

تم نقش هم‌سالان بر اهمیت نقش دوستان در ازدواج سفید تأکید دارد. افرادی که با یکدیگر ازدواج می‌کنند از حمایت اجتماعی خانواده، فامیل و دیگر نهادهای اجتماعی بهره‌مند می‌شوند، اما در ازدواج سفید شرایط متفاوت است. به‌علت پنهانی‌بودن این سبک زندگی، افراد تمایل زیادی برای اشتراک‌گذاری جزئیات زندگی خود با دیگران ندارند. در نتیجه، تنها با مَحرم‌ترین و نزدیک‌ترین دوستان خود معاشرت می‌کنند. به طور کلی، این تم با نتایج پژوهش‌های رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) و ابراهیمی (۱۳۹۸) هم‌سو بود.

ماهیت ازدواج سفید با دستورات دین اسلام و عرف حاکم بر جامعه ایران مغایرت دارد. سکس پیش از ازدواج، شروع زندگی مشترک بدون عقد رسمی و... نیازمند نوعی عدم پایبندی به قواعد دین و عرف است. از سوی دیگر، ردپای دین و مذهب در کودکی تمامی مصاحبه‌شوندگان مشهود بود که نشانگر تحول اعتقادی قابل‌توجه در میان برخی جوانان شهر تهران است. این تم که نگاهی تاریخچه‌ای به زندگی مصاحبه‌شوندگان دارد با یافته‌های رمضانی‌فر و آدیش (۱۳۹۷) و ابراهیمی (۱۳۹۸) هم‌سو بود.

تم گشودگی به تجربه برخلاف سایر پژوهش‌های گذشته حاوی مفهومی روان‌شناسانه است. بسیاری از آنها گفتند که در اوایل آشنایی برنامه‌ای برای ازدواج سفید نداشته‌اند و آن را نوعی اتفاق توصیف کردند. با توجه به تعارضات موجود در ازدواج سفید و نبود برنامه‌ریزی قبلی برای آن در بین شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که انتخاب این سبک زندگی بدون برخورداری از برخی متغیرهای روانی امکان‌پذیر نباشد. افرادی که گشودگی به تجربه بیشتری دارند به کسب تجربیات جدید تمایل زیادی نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند تا خودشان را محک بزنند. در مقابل، افرادی که بسته هستند با تجربیات آشنا و مرسوم راحت‌ترند.

گشودگی به تجربه بر دیدگاه‌های اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. افرادی که در برابر تجربه بسیار باز هستند به اندیشه‌های آزادی‌خواهانه[4] گرایش دارند (مک‌کرای[5]، ۱۹۹۶؛ جوست[6]، ۲۰۰۶). در نتیجه، آنها اغلب بیش از دیگران پذیرای فرهنگ‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی هستند. در رابطه با محافظه‌کاری، مطالعات نشان داده‌اند که محافظه‌کاری فرهنگی با سطح پایین گشودگی به تجربه و تمام جنبه‌های آن مرتبط است (مک‌کرای و ساتین[7]، ۲۰۰۹). این تم با نتایج مطالعات مختاری و همکاران (۲۰۲۰)، ابراهیمی (۱۳۹۸) و اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) هم‌سو بود.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج سفید رابطه‌ای رضایت‌مندانه و آزادانه است که همراه با فرایند گذار به سمت مدرنیته، بیش از گذشته به‌عنوان یک سبک زندگیِ جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج در دسترس برخی جوانان شهر تهران قرار گرفته است.

1. Adams
2. Engin, Hürman & Harvey
3. Arthani
4. Liberalism
5. McCrae
6. Jost
7. McCrae & Sutin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

این مطالعه یکی از پژوهش‌های پایه‌ای است که می‌تواند خط سیر پژوهش‌های بعدی را مشخص کند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی دامنه جامعه مورد مطالعه گسترش یابد تا شهرستان‌های کوچک را نیز شامل شود. همچنین، به‌دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، به‌ناچار تمامی مصاحبه‌ها به‌صورت آنلاین انجام شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی مصاحبه‌ها به‌شکل حضوری انجام شود تا عوامل مداخله‌گر کاهش یابد. علاوه بر این، مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه خانواده و روان‌درمانی می‌تواند سودمند باشد.

منابع

آزادارمکی، ت.، شریفی ساعی، م.، ایثاری، م.، و طالبی، س. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه پژوهی فرهنگی، ۳(۱)*، ۴۳-۷۷.

آقایی، م. (۱۳۹۸). واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۷*(۳)، ۱۱۳-۱۴۵.

ابراهیمی، م. (۱۳۹۸). مطالعه جامعه شناختی علل، زمینه‌ها و پیامدهای گرایش جوانان به هم‌خانگی (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۸* (۴۵)، ۱۲۷-۱۴۸.

اکبرزاده، ف. و هاشمیان‌فر، س. (۱۳۹۸). از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶*(۱۴)، ۱۷۷-۲۰۶.

پاپالیا، د.، الدز، س. و فلدمن، ر. (۱۳۹۱). *روانشناسی رشد و تحول انسان*. ترجمه داوود عرب قهستانی و دیگران. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۴)

رمضانی‌فر، ح. و آدیش، م. (۱۳۹۷). مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه کیفی جوانان شهرستان گیلان). *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۷*(۱)، ۱۹۵-۲۱۷.

سعید طالشی، ل. و سلطانی، ا. (۱۳۹۷). نقش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی نگرش به ازدواج سفید در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۲۴، ۳۱-۵۳.

سهراب‌زاده، م.، نوروزی، م. و عسکری‌کویری، ا. (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها. *جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی*، ۳(۹)، ۱۸۹-۲۴۹.

صفایی، ا. (۱۳۹۵). بررسی جنبه‌های روانشناختی ازدواج سفید در میان جوانان، *همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی*، تهران.

فاضلی، ن. (۱۳۹۱). *خانواده و زندگی شهری*. تهران: نشر تیسا.

فتحی، م.، کیامنش، ع. و جمهری، ف. (۱۳۹۷). نقش عاملیت انسانی، جنس و سن در ویژگی‌های هویتی: بزرگسالی در حال ظهور آرنت. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۱۵* (۵۷)، ۳۳-۴۴.

فریدونی، س. و رشیدی، ز. (۱۳۹۸). گسترش کمی دانشگاه‌ها در ایران و تحولات اجتماعی فرهنگی؛ عاملیت اجتماعی دختران دانشجو. *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۸*(۱)، ۸۵-۱۰۸.

کریمیان، ن. و زارعی، ا. (۱۳۹۵). بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای رابطه هم‌خانگی با جنس مخالف. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۷*(۲)، ۳۹-۶۷.

گلچین، م. و صفری، س. (۱۳۹۶). کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰*(۱)، ۲۹-۵۷.

محمدی، ح. و فولادچنگ، م. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی (فردگرایی-جمع‌گرایی) و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. *مجله روانشناسی*، ۲۳(۱)، ۱۹-۳۵.

Abrams, K. (1998). From autonomy to agency: Feminist perspectives on self-direction. *Wm. & Mary L. Rev.*, *40*, 805.

Adams, I. (2001). *Political ideology today*. Manchester University Press.

Alishahi, A., Refiei, M., & Souchelmaei, H. S. (2019). The Prospect of Identity Crisis in the Age of Globalization. *Global Media Journal*, *17*(32), 1-4.

Arthani, N. L. G. Y. (2019). Value Approach and Character Education in Reviewing Cohabitation Phenomenon. *Sociological Jurisprudence Journal*, *2*(2), 108-115.

Engin, C., Hürman, H., & Harvey, K. (2020). Marriage and Family in Turkey: Trends and Attitudes. *In International Handbook on the Demography of Marriage and the Family*. 105-119.

Fereidouni, S., Mehran, G., & Mansourian, Y. (2015). Female Empowerment in Iran: The Voice of Iranian University Students. *Higher Education Quarterly*, *69*(4), 366-385.

Heron, T. (2008). Globalization, neoliberalism and the exercise of human agency. *International Journal of politics, culture, and society*, *20*(1), 85-101.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]

Hofstede, G., & Bond, M. H. (1984). Hofstede's culture dimensions: An independent validation using Rokeach's value survey. *Journal of cross-cultural psychology*, *15*(4), 417-433.
Jost, J. T. (2006). The end of the end of ideology. *American psychologist*, *61*(7), 651-670.
Kakavand, B., & Khodabakhshi-koolaee, A. (2021). Women's Lived Experiences of Cohabitation: A Phenomenological Study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, *10*(2), 75-82.
Kaur, P. (2018). Impact of globalization on women. *Global Journal of Commerce and Management Perspective*, *7*(2), 41-44.
Kelley, K., Byrne, D., Przybyla, D. P. J., Eberly, C., Eberly, B., Greendlinger, V., ... & Gorsky, J. (1985). Chronic self-destructiveness: conceptualization, measurement, and initial validation of the construct. *Motivation and emotion*, *9*(2), 135-151.
Kohlberg, L. (1981). *The philosophy of moral development moral stages and the idea of justice.*
Kuperberg, A. (2019). Premarital cohabitation and direct marriage in the United States: 1956–2015. *Marriage & Family Review*, *55*(5), 447-475.
Lawal, A. M., & Okereke, C. G. (2020). Relationship satisfaction in cohabiting university students: evidence from the role of duration of cohabitation, loneliness and sex-life satisfaction. *Vulnerable Children and Youth Studies*, 1-10.
Liu, C., & Wang, S. (2009). Transformation of Chinese cultural values in the era of globalization: Individualism and Chinese youth. *Intercultural Communication Studies*, *18*(2), 54.
McCrae, R. R. (1996). Social consequences of experiential openness. *Psychological bulletin*, *120*(3), 323-337.
McCrae, R. R., & Sutin, A. R. (2009). Openness to experience. *In Handbook of individual differences in social behavior*, 257-273.
Mokhtari, S., Shariat, S. V., Ardebili, M. E., & Shalbafan, M. (2020). Iranian students' attitudes toward premarital sex, marriage, and family in different college majors. *Journal of American College Health*, 1-9.
Morris, H., Macaluso, S., & Ashford, P. (2019). The Rise and Impact of Premarital Cohabitation: Implications for Christian Higher Education. *Growth: The Journal of the Association for Christians in Student Development*, *18*(18), 7.
Panchani, M., & Bassa, Z. (2017). Role of higher education in women empowerment. *Review Journal of Philosophy and social science*, *42*(1).
Rosenfeld, M. J., & Roesler, K. (2019). Cohabitation experience and cohabitation's association with marital dissolution. *Journal of Marriage and Family*, *81*(1), 42-58.
Sassler, S., & Lichter, D. T. (2020). Cohabitation and marriage: Complexity and diversity in union-formation patterns. *Journal of Marriage and Family*, *82*(1), 35-61.
Schwartz, S. J., Côté, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood: Two developmental routes in the individualization process. *Youth & society*, *37*(2), 201-229.
Smith, J. A., Flower, P., & Larkin, M. (2009). Interpretative Phenomenological Analysis: Theory, Method and Research. *Qualitative Research in Psychology*, *6*(4), 346-347.
Statistical Centre of Iran. (2016) *Selected Results of the 2016 National Population and Housing Census.* Available at: https://www.amar.org.ir/Portals/1/census/2016/Iran_Census_2016_Selected_Results.pdf
Taghavi, N. (2018) *Facing the conflicts and complicities between capitalist modernisation and Islamisation : a study of women's subjectivities and emancipatory struggles in Iran*. PhD thesis, University of Salford.
Tangney, J. P. (1995). Recent advances in the empirical study of shame and guilt. *American Behavioral Scientist*, *38*(8), 1132-1145.
Wilde, D. J., & Murray, C. D. (2009). The evolving self: finding meaning in near death experiences using Interpretative Phenomenological Analysis. *Mental Health, Religion & Culture*, *12*(3), 223-239.
Yousuf, P. (2019). Role of education in women empowerment (A sociological study of the women Professors of Gwalior city MP India). *Research Journal of Social Sciences*, *10*(1), 4-8.
Zhang, Y. (2017). Premarital cohabitation and marital dissolution in postreform China. *Journal of Marriage and Family*, *79*(5), 1435-1449.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.13.3]